

نامه مادر کارلو مبارز ایتالیایی به مارکوس

«در پایان تظاهرات عظیم روز ۱۵ فوریه در شهر رم، خانم هایدی جیلیانی نامه ای را که معاون فرمانده شورشی مارکوس، خطاب به این تظاهرات نوشته بود قرائت کرد (خانم جیلیانی مادر کارلو، جوان مبارزی ست که در تظاهرات شهر جنوا - ایتالیا - علیه نشست سران هفت کشور صنعتی G7، توسط پلیس به قتل رسید).، نامه زیر را مادر کارلو به معاون فرمانده مارکوس نوشته و او نیز این نامه را جهت انتشار در اختیار نشریه ربلدیا (Rebeld a) قرار داده است.»

معاون فرمانده مارکوس عزیز:

در میدانی عظیم، و در برابر هزاران چشم، افتخار داشتم که پیام صلح تو را قرائت کنم. تقاضا کردم که جمعیت چشم ها را یک لحظه بر هم نهند و تصور کنند که دست کسی را گرفته اند، دست هر که می خواهد باشد، دست شخصی در گوشه ای از جهان که مانند خود ما برای صلح تظاهرات می کند. من دست تو را گرفتم، و شروع به خواندن کردم. با آن که دیگر وقت دیر شده بود، میدان در سکوت فرورفته بود و سراپا گوش. به خود می لرزیدم، از زخمی که سال پیش برداشتم، از ترس، از کهولت سن، از سرما و از هیجان. اما دست تو گرم بود. چنین بود که توانستم همه را بخوانم، هرچند برای ستایش کلام تو، حرفم را قطع می کردند. می خواستم برایت خیلی چیزها بنویسم. می خواستم به تو از فرزندم بگویم، بعد فکر کردم لازم نیست، زیرا تو در کشوری زندگی می کنی که «کارلو» های زیادی دارد، فرزندان بسیار مانند کارلوی من.

می خواستم به تو بگویم که در خانه ما دست کم از ۳۵ سال پیش، پوستر بزرگ و کهنه ای هست از امیلیانو زاپاتا با آن سیبیل سیاه بر زمینه سرخ، که دیگر رنگ و رویش رفته است. می خواستم برایت تعریف کنم که من همیشه تخم سیب ها را برداشته ام، تا در خاک بکارم. می خواستم برایت شرح دهم که من خیلی کوچکم و همیشه در کنار کوچک ها بوده ام. از تو خواهش می کنم از طرف من برادران و خواهران ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی را در آغوش بگیری.

به امید آن که فرهنگ زندگی بتواند شکوفا شود و بر خشونت، تفرعن و جهالت پیروز گردد.

مادر کارلو

جنوا، ۱۶ فوریه ۲۰۰۳

* برگرفته از نشریه ربلدیا (شورشگری)، شماره ۵، مارس ۲۰۰۳